روابط پارسیان هند با زرتشتیان یزد در عهد ناصری

دکتر علی اکبر تشکری بافقی استادیار گروه دانشگاه یزد

چکیده

هجوم تیمور و تشدید مصائب زرتشتیان در خراسان و حوزهٔ شمالی ایران، نخبگان روحانی این اقلّیت را بر آن داشت تا به مناطق امن‌تری چون یزد و کرمان پناه آورند. از این‌رو با اسکان موبدان در روستاهای تُرکآباد و شریف‌آباد یزد، این خطه نه تنها به مهم‌ترین کانون زرتشتی‌گری ایران ارتقا یافت که مرجعی برای پارسیان هند جهت کسب اطلاعات دینی گردید. تداوم این روابط فرهنگی باعث شد تا در سدهٔ نوزدهم میلادی که پارسیان در سایهٔ مناسبات مطلوب با دولتمردان انگلیسی حاکم بر هند و بهره‌گیری از رهاوردهای فکری غرب برجستگی یافته بودند، با ایجاد «انجمن اکابر پارسیان هند» در صدد یاری به هم کیشان خود در ایران برآیند. موضوعی که با عزیمت مانکجی به ایران در عهد ناصری و اقدامات گستردهٔ وی در لغو جزیه، انجام اصلاحات درون‌ساختاری، ایجاد مدارس نوین و تلاش در کاهش فشارهای اجتماعی برهم‌کیشان، فصل نوینی را در حیات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زرتشتیان یزد رقم زد. بر این مبنا، پژوهش حاضر می‌کوشد تا به شیوهٔ تحلیل تاریخی گسترهٔ این روابط را در چارچوب کارکرد نمایندگان انجمن پارسیان هند در عهد ناصری به بحث و بررسی گذارد.

واژگان کلیدی: یزد، انجمن اکابر پارسیان، مانکجی، کیخسرو خانصاحب، ناصرالدین شاه.

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۵ تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۴

E-mail: atashakhori@yazd.ac.ir

مقدمه

با وجود اشاراتی که در آثار جغرافیانگاران و رحله نویسان مسلمان بر دیرینگی حضور زرتشـتیان در یزد تا نخستین سده‌های پس از ورود اسلام به ایران رفته است هجوم تیمور و تشدید مصائب آن‌هـا در خراسان به حدی بر انگیزهٔ مهاجرت به مناطق دور از تحولات سیاسی افزود که از این هنگـام و خاصـه در عصر صفوی، روستاهای تُرکآباد(۱) و شریف آباد(۲) یـزد بـه موبـدان‌نشـین ایـران شـهرت یافتنـد (شهمردان، ۱۳۳۶ی: ۲۰۰). گرچه با رسمیّت و نهادینگی تشیع امامیـه، آزار و ایـذای زرتشـتیان توسـط حکام محلی(۳)، شاهان (۴) و بدنهٔ اجتماعی ـ که به‌تبع از نگاه فقها و متولیان مذهبی، اهـل ذمـه را در مرتبهٔ مشرکان مستحق تخفیف می‌دانستند ـ کمابیش تداوم یافت؛ امّا در قیاس با اواخر سلسلهٔ صـفوی و پس از آن تا دوران معاصر، این اقلّیّت در یزد از حیث جمعیت، تکافوی مالی و مرکزیت دینـی، اعتبـار به مراتب بیشتری داشتند.

در شرایطی که فزونی آزار اهل ذمه در اواخر صفوی، زرتشتیان کرمـان و یـزد را بـه همیـاری بـا محمود افغان سوق داد؛ در نظر جامعه، ایـن واکـنش بـه تبـانی بـا افاغنـهٔ سـنی مـذهب در برانـدازی بنیانگذاران تشیع امامیه تلقی گردید (تشکری، ۱۳۸۴: ۱۹) و به مرور همزیستی مسالمت‌آمیز جای خـود را به‌تحمّل شرایط موجود داد. علاوه بر گزارش‌هایی در قتل زرتشتیان توسط سپاه نادر و پس از آن طی محاصرهٔ کرمان توسط آقامحمدخان، شواهد موجود بـر تشـدید مصـائب آنهـا در یـزد تحـت حاکمیّـت سلسله‌ی خوانین اشاره دارد. چنان‌که انتقال اجباری موبدان ترکآباد به‌حوزهٔ شهری در دورهٔ افشاریه کـه با هدف دسترسی آسان بدیشان صورت پذیرفت و گسترش تدریجی مبلغ جزیه از جملهٔ این موارد بودند. بر این اساس نوشتار حاضر می‌کوشد تا با اتکا بر شیوهٔ تحلیل تاریخی و در بستری از شرایط اجتماعی ـ فرهنگی زرتشتیان یزد عصر قاجار ، کارکرد انجمن اکابر پارسیان هند در حکومت ناصرالدین شاه را بـه بحث گذارده و پاسخگوی چند سؤال اساسی باشـد: انجمـن اکـابر چـه راهکارهـایی در بهبـود شـرایط اجتماعی زرتشتیان یزد عهد ناصری داشت؟ اقدامات مانکجی در اصلاح درونی جماعت چگونه بازتـابی بر حیات فرهنگی آن‌ها یافت؟ نخبگان برآمده از مدارس نوینی که مانکجی در تهران احداث کـرد، چـه تأثیری بر تغییر بافت مدیریت سنتی و محافظه‌کار زرتشتیان داشتند؟

دورنمایی از حیات اجتماعی زرتشتیان یزد

توسعهٔ فزون‌خواهی عمال حکومتی در اخذ جزیه و عدم تعادل آن با میـزان جمعیـت، رونـد رو بـه رشد تعصب مذهبی در نحوهٔ رفتار با اهل ذمه و عدم پشتوانهٔ سیاسی(۵) نه تنهـا در پراکنـدگی درونـی زرتشتیان تأثیر خاص نهاد که اقلیتی به‌ظاهر زرتشتی و عمدتاً ناآشنا نسبت به تعالیم دینی را بـه‌ارمغـان آورد (۶). به عبارت دیگر، در شرایطی که گسترش موانع حیات اهل ذمه بـر انـزوای آن‌هـا مـی‌افـزود، بالطبع تلاش برای حفظ بقا بر رعایت ضوابط دینی و تعامل درونی، برتری یافته و زرتشـتیان منطقـه را به سطحی تنزل داد که از سویی روحانیون در چرخهٔ مورثی منصب، هرگونه تغییر را منـافی بـا مصـالح خود می‌دیدند (نگاه کنید به مطالب بعدی) و از دیگر سو، استواری معیـار وجاهـت درون سـاختاری: بـر شهری دهاتی و روحانی ـ عامی بودن، باعث پس‌افتادگی آن‌ها می‌شد.

مطابق با گزارش‌های اواسط عهد ناصری، منابع جمعیت زرتشتیان ایران را قریب ۷۰۰۰ هزار نفـر تخمین می‌زنند که پس از یزد ـ که با اسکان اکثریت آن‌ها در حوزهٔ شهر و روستاهای پیرامون بیشترین جمعیت زرتشتیان ایران را در خود جای داده بود ـ و کرمان، در دیگر شهرها به زیـر پنجـاه نفـر تقلیـل می‌یافتند (Deboo,www.zoroastrian.org). بر این اسـاس چنـان‌کـه یـزد بـه واسـطه‌ی دوری از بحران‌های دمادم و امنیـت و آرامش نسبی، مکانی امن برای اسکان زرتشتیان به شمار می‌رفت؛ از آن‌سوی بُعد مسافت از مراکز قدرت، بر یکنواختی فرهنگی افزوده و بستری در سوء استفاده‌ی اشرار خاصه به‌هنگام فترت سیاسی (۷) و عمال حکومتی فراهم می‌آورد. چنانچه در کنار محـدودیّت‌هـای برآمـده از فقاهت اسلامی در رابطه با اهل کتاب مانند واگـذاری ارثیه متوفیان ذمی به اقوام نوکیش آن هـا؛ عـدم تساوی در محاکم شرعی و عرفی (Karaka,1884 Ibid,64)، تفاوت چشمگیر دیه مسلمین بـا ذمیّـان ،که بیش از هشت تومان نبود و نابرابری در حقوق شهروندی ، زرتشتیان یزد به دلیل عدم اجازهٔ سـفر و خروج از حوزهٔ شهری، ورود غیرمجاز اشرار به معابد و دخمه‌هـا (Framjee, 1885 Ibid;45)، دریافـت خمس در بیـع اموال، عدم جواز ساخت و تعمیر اماکن دینی، ربودن دختران زرتشـتی و اسـلام اجبـاری آن‌ها و اخذ زیاده از حد مالیات گمـرک و راهـداری (مـانکجی،۱۲۸۰ ق: ۵۳-۴۰) مصـائب بیشـتری را تحمل می‌کردند.

پارسیان و سابقهٔ روابط با زرتشتیان ایران

به دنبال سقوط سلسلهٔ ساسانی، جماعتی از زرتشتیان پس از یکصد سال سکونت در کوه‌های خراسان (Framjee,Ibid;7) به جزیرهٔ هرمز و از آن‌جا راهی هند شدند. مجوز اسکان این عده در سنجان هر چند زمینه‌ساز مهاجرت به‌دیگر مناطق هند (۸) چون: سورات، نوساری، بروچ، واریوا، بلسارا و انکلسر گردید (Ibid:15)؛ امّا همپای این امتیازات بسیاری از آداب و مناسک خود در نحوهٔ پوشش، مراسم ازدواج و زبان مادری را به بهای تداوم حیات در میان هندوها فرو گذاردند(۹) (آبادانی، ۱۳۵۶: ۵۷؛ بالسارا، ۱۳۳۸: ۲۸). بدین ترتیب دوری از وطن و پراکندگی در گجرات نه تنها اختلاف فاحش آنها از زرتشتیان ایران را باعث شد (شهمردان، ۱۳۶۰: ۳۷۳ـ۳۷۲) که حتی روحانیون نیز هر کدام در مناطق مختلف، بنا به تلقی شخصی خود، معجون گونه‌ای از احکام زرتشتی و هندویی را به زیردستان آموزش می‌دادند(۱۰).

لذا ضرورت بازنگری در ضوابط و احکام، طیفی از بهدینان به زعامت چانگاآسا در نوساری (شهمردان، ۱۳۶۳: ۴۶) را بر آن داشت تا به‌هدف ایجاد وحدت رویه، از هم‌کیشان خود در ایران یاری طلبند (Framjee,Ibid;36-37) و از این‌رو فردی به‌نام نریمان هوشنگ را با پرسش‌های متنوع در باب ضوابط آیین زرتشت نزد موبدان روستاهای شریف‌آباد و ترکآباد فرستادند (۸۸۱ق/۱۴۷۶م) (تشکری، ۱۳۹۲: ۲۳۲ـ۲۳۱). این سفر نه تنها نخستین زمینهٔ آگاهی زرتشتیان یزد از پارسیان هند بشمار می‌رفت که تداوم روابط آن‌ها تا سیصد سال بعد (۱۱۸۱ق/۱۷۷۶م) را باعث گردید(۱۱).

به غم افت روزافزون زرتشتیان یزد در زمینهٔ اجتماعی ـ فرهنگی که از سقوط صفویه رو به تکوین نهاد، سلطهٔ تدریجی دول غربی بر هند (از قرن ۱۶م)، باعث تغییر معیشت پارسیان از روستانشینی و کشاورزی به شهرنشینی و تجارت شد (بالسارا، همان: ۲۶؛ 1383:387Framjee,Ibid:23- 22;Avari). شاید بتوان ادعا نمود که از اواخر قرن ۱۸ م. تسلّط انگلیس بر شبه قاره بیشترین تأثیر را بر روند حیات پارسیان نهاده است (Palesta,2001:28). به نوعی که در تعارض هندوها و مسلمین با این برتری، پارسیان در افقی از قدرت و فناوری غرب، تحت‌الحمایگی بریتانیا را بر تداوم شرایط پیشین ترجیح دادند. گزینشی که نه تنها در عرصهٔ سیاسی،اجتماعی و اقتصادی (۱۲) بدیشان وجاهت بخشید؛ بلکه پذیرش رهاوردهای نوین آموزشی، خاصه فراگیری زبان‌های انگلیسی و فرانسوی(بالسارا، ۱۳۳۸: ۲۲) راه ورود به دنیای جدید را تسهیل کرد. امّا بر خلاف ضرب‌آهنگ روبه توسعهٔ پارسیان که در تلألؤ

بمبئی نمود یافت (بویس، ۱۳۴۸: ۱۴۲) و آن را به قبلگاه زرتشتیان ارتقا بخشید، آسیب پذیری اجتماعی هم‌کیشان آن‌ها در یزد، به حدی وسیع می‌نمود که از زرتشتی‌گری جز نام نداشتند.

انجمن اکابر پارسیان هند و مأموریت مانکجی

از مهم‌ترین جلوه‌های تأثیرپذیری پارسیان از تسلط انگلیس بر هند، در تغییر ساختار تولیت زرتشتیان از پنجایت(۱۳) به انجمن‌های نوینی بود که رؤسای آن‌ها را طیف برآمده از اقتصاد تجاری صنعتی بمبئی شکل می‌دادند.چنان‌که رشد طبقهٔ متوسط و سرمایه‌دار، جمعی از پارسیان که در اصل از خانواده‌های فراری کرمان بودند را به‌حمایت از هم‌کیشان مهاجر خود سوق داد.به‌دنبال تصرف کرمان توسط آقامحمدخان و تشدید مصائب زرتشتیان، فردی به‌نام کیخسرو یزدیار همراه با دخترش گلستان بانو به یزد آمدند (بویس، ۱۳۶۴: ۴۲۵) و پس از چندی به دلیل طمع یکی از مسلمین به دخترش، مخفیانه عازم بمبئی شدند (اشیدری، ۲۵۳۵: ۴۲۴–۴۲۲). (۱۷۹۵م).در این شهر تحت حمایت ایدلجی پور دارابجی (شهمردان، ۱۳۳۱: ۱۲)، از تجار معتبر بمبئی، گلستان‌بانو(۱۴) با فرامجی بیکاجی پاندای ازدواج نمود که حاصل آن پنج پسر و چهار دختر بود (همان: ۱۳). با توجه به‌سابقهٔ خانوادهٔ بیکاجی در همیاری با مهاجرین زرتشتی بمبئی(۱۵) و نیز حمایت گلستان‌بانو، پور جورجی فرامجی، پسر بزرگ گلستان، با کمک برادرانش پشوتن جی و مهروانجی،به همین منظور بنیاد خیریه‌ای تأسیس نمودند (۱۸۳۴م) (شهمردان، ۱۳۶۱، همان: ۲۸۵)که با استقبال پارسیان مواجه و به «انجمن خیریه زرتشتیان بینوای ایران» (۱۶) شهرت یافت (۱۷). ساخت نخستین پذیرشگاه مهاجرین، بحدی بر اعتبار انجمن افزود (۱۸) که مهروانجی پاندای ،دومین پسر گلستان بانو، با همراهی مانکجی نسروانجی،فرامجی نسروانجی پتل،کرست جی نسروانجی کاماجی، مهروانجی فرامجی پانده، بهمنجی فرامجی کامجی و دینشاه مانکجی پتیت، به‌منظور توسعهٔ کارکرد انجمن درحمایت از زرتشتیان مقیم ایران، صندوقی با نام «صندوق بهبود زرتشتیان ایران» (۱۹) ایجاد کردند(برای متن اساسنامه و کارکرد درونی صندوق نک:Deed of settlement,1865:1-17).

در واقع پارسیان بمبئی بواسطه فراریان زرتشتی و تا حدی گزارش سیاحان اروپایی آگاهی های پراکنده ای از شرایط نابهنجار هم کیشان ایرانی داشتند ، امّا بُعد مسافت و وقفه در روابط؛ اعزام سفیری نزد آن‌ها را ضروری می‌ساخت که این مقصود با عزم سفر مانکجی به ایران فراهم آمد. مانکجی لیمجی هوشنگ پور هاتریا که اجدادش از مهاجرین ایران در عصر صفوی به هند بودند، در قصبهٔ موراسومالی از توابع بندر سورت به دنیا آمده بود (۱۲۳۰ق/۱۸۱۳م). ترقی بمبئی به مهم‌ترین مرکز

تجاری هند، خانوادهٔ مانکجی را نیز بسان دیگر پارسیان به خود جلب کرده (شهمردان، ۱۳۶۳: ۶۱۸ـ۶۱۷) و موقعیت اقتصادی منطقه، او را به تجارت و سفر در نقاط مختلف هند سوق داد. سفرهایی که به واسطهٔ مصاحبت مانکجی با ایرانیانی چون سیدزین‌العابدین و میرزاخسرو، زمینهٔ آشنایی و شیفتگی او به موطن اجدادیش را فراهم آورد (همان: ۴۲۵). بر این اساس، هر چند چهار مرتبه قصد سفرش به ایران در ناامنی مسیر ناکام ماند (نک: مانکجی، faravahr.org، ۷۹ـ۷۷)؛ امّا با قدرت‌گیری ناصرالدین شاه و تحت عنایت خاص میرزاتقی‌خان امیرکبیر به زرتشتیان (آدمیت، ۱۳۶۱: ۳۱۱؛ اشیدری، ۱۳۴۱: ۲۸)، سفارت میرزاحسین‌خان مشیرالدوله در هند آرزوی او را محقق ساخت. چنان‌که به‌دنبال آشنایی مانکجی با میرزاحسین‌خان، که توسط آقاخان محلاتی صورت پذیرفت، مال‌التجاره‌ای حاوی کالاهای مورد پسند ایرانیان را به بوشهر ارسال و خود مهیای سفر گردید (همان: ۷۹). بدین گونه تقارن این سفر با عزم صندوق بهبود به آشنایی نزدیک با هم‌کیشان در ایران، باعث شد تا از وی درخواست نمایند طی بازدیدش گزارشی نیز از شرایط اجتماعی، سیاسی و فکری زرتشتیان فراهم آورده (Karaka,Ibid,72)، افراد بی‌بضاعت را به بمبئی روانه نماید (Deed,Ibid,19).

براساس روابط مطلوب انجمن با کارگزاران دولت انگلیس، مانکجی نیز که چون اکثر پارسیان تابعیت انگلیسی‌داشت (Deboo,www.zoroastrian.org) با چهار سفارش‌نامه از ایشان برای دولتمردان بغداد، بوشهر، اسلامبول و تهران (اشیدری، ۲۵۳۵: ۴۲۵) ــ و با همان کشتی که میرزا حسین خان سوار بود (همان: ۴۲۷) ـ راهی ایران شد (۳۱ مارچ ۱۸۵۴م).

بنابر اسناد موجود، وی با ورود به یزد (در روز بهمن و اسفندماه قدیم ۱۲۲۳ ی/۱۸۵۴م) (شهمردان، ۱۳۶۱: ۳۲۹)، ضمن تماس نزدیک با زرتشتیان، مصائب آن‌ها را در گزارشی به پارسیان منعکس نمود. در این گزارش مانکجی ضمن اشاره به مشکلات درونی هم‌کیشان که از عقب‌ماندگی فرهنگی و عدم همدلی درونی حکایت داشت، بر نقش مخرب مالیات جزیه و عملکرد نابهنجار عمال دیوانی در تأدیه آن به‌عنوان مهم‌ترین مصیبت زرتشتیان تأکید نمود (برای اطلاعات بیشتر از محتوای گزارش نک: مانکجی، Faravahr,org:80).

با آنکه گزارش، اختلافی در نحوهٔ حمایت از بهدینان را باعث شد و عدّه‌ای مساعدت مالی آن‌ها در مهاجرت به هند و یا کمک‌های نقدی و تلاش در رفع موانع را شرط ماندگاری کیش زرتشتی در ایران می‌دیدند؛ امّا در نهایت، اکثریت اعضا بر راهکار دوم صحه گذارده و صندوقی مجزا با نام «صندوق بهبود برای تأمین مالی هاتریا در ایران» ایجاد کردند(۲۰). همچنین به‌رغم تمرکز انجمن بر لغو جزیه، تا رهیافت به مقصود نهایی، برنامه‌هایی چون: تکمیل دخمهٔ یزد، کمک مالی به سالمندان و فقرا، ایجاد

امکانات آموزشی برای جوانـان و تعمیـر و حفاظـت از آتشـگاه‌هـا را محـل توجّـه قـرار داد (Karaka,Ibid,73;Deed,Ibid,11).

مانکجی و اقدامات در یزد

گرچه انجمن اکابر بنا به تأکید مانکجی جزیه را مهم‌تـرین مشـکل زرتشـتیان تشـخیص داد؛ امّـا آبشخور این مالیات در تعالیم فقهی و برجستگی مفاهیم دینی در جامعـۀ ایـران و خاصـه یـزد نـه تنهـا تلاشی پیگیر و درازمدت را می‌طلبید که هر گونه اقدامی در این زمینه علاوه بر ساختار سیاسی، مستلزم جلب رضایت حداقل طیفی از علما و همزمان بهره‌مندی از نفوذ انگلیس در نظام قـدرت ایـران بـود. از این‌رو در تلاشی همسـو، مانکجی اهتمام خود را بر دو بُعد: اصـلاح درونی اقلیـــت و ارتقـای وجاهـت اجتماعی هم‌کیشان استوار ساخت.

تشکیل پنجایت و کارکردهای آن

در تناسبی میان تثبیت تدریجی اسلام با افول زرتشتیان به جماعتی پراکنده، ریاست آن‌هـا نیـز در اختیار فردی به نام داور قرار داشت (شهزادی، ۱۳۴۵، ۵۲)که تا اواسط دوران صـفوی همچنـان برقـرار ماند. از زمان شاه‌عباس‌اول و با عزم وی به ادارۀ امـور اقلیـت‌هـای دینـی، داروغگـانی مسـلمان بـرای زرتشتیان یزد (تشکری، ۱۳۹۲: ۲۳۸-۲۳۷) تعیین گردید که در مهمترین وظایف خود به‌عنـوان مرجـع حل و فصـل امور داخلی و عامل ارتباط جماعت با متولیـان جامعۀ اسلامی و حکومت عمـل می‌کردند. چنان‌که این رویه با تفاوتی در نحوۀ گزینش کلانتران و انتخاب آن‌هـا از اعضـای جماعـت، بـه دوران قاجار نیز راه یافت. بدین ترتیب مبانی نخستین انجمن‌های زرتشتی یا همان پنجایت (هیئت پنج نفـره) به پارسیان بمبئی باز می‌گشت که در حدود سال ۱۶۹۸م. با اختیار در وضع قوانین اجتماعی، حکمیت در دعاوی و تقسیم املاک و تولیت موقوفات زرتشتیان ابراز وجود نمود (امینی،۱۳۸۰، ۲۸۲). متکی بر ایـن سابقه و تداوم آن در قالب انجمن‌های زرتشتی، مانکجی سه روز پس از ورود بـه یـزد ضـمن فراخـوان جمعی از بزرگان و موبدان، ضوابط مربوط به نخستین پنجایت یزد را پی‌ریزی کـرد (شـهمردان، ۱۳۵۴: ۲۵). چنان‌که مطابق با آئین‌نامه پنجایت یزد ـ که از ۱۲۲۳ی/۱۲۷۰ق آغاز و بنابر آخرین صورت جلسه موجود در گزارش‌های مانکجی تا ۱۲۲۵ی/۱۲۷۲ق تداوم داشته (همان: ۲۵) ـ متن صورت‌جلسه ها در سه نسخه جهت ارسال به انجمن اکابر،ثبت در بایگانی پنجایت و یـک نسـخه بـرای مـانکجی تنظـیم می‌گردید (اشیدری ۱۳۸۳: ۱۷۳).

با توجّه به اهمیّت این اقدام در اصلاح امور زرتشتیان حوزه‌های کارکرد آن را در ابعادی چند می‌توان ذکر نمود:

الف: واسطهٔ انتقال اخبار زرتشتیان

با توجه به اسکان مانکجی در تهران و بُعد مسافت از یزد، ناگزیر وجود محلی برای کسب اطلاع از هم‌کیشان و نحوهٔ اجرای فرمان ها ضرورتی تام داشت. به‌عنوان نمونه می‌توان به پرسش و پاسخ مانکجی با اعضای پنجایت اشاره نمود که در نامه‌ای فاقد تاریخ از آمار زرتشتیان محل، اعم از غنی و فقیر سؤال نموده و پنجایت در جواب ضمن اذعان به‌حضور تقریبی یک‌هزار خانوار،(۲۱) وضع آن‌ها از حیث قدرت پرداخت جزیه را چنین متذکر شده: «۹۶۲ نفر قادر به معاش بوده، ۲۰۰ نفر بدون مشکل، جزیه می‌دهند، ۴۰۰ نفر به مشقت و مابقی به‌حدی مفلوک هستند که قدرت امرار معاش نیز ندارند» (اشیدری، ۲۵۳۵: ۲۶۸).

ب: رسیدگی به دعاوی و اختلافات داخلی

در شرایطی که افزایش روزافزون جزیه و تشدید فشارهای اجتماعی، تلاش بر حفظ بقا را به اولویت نخست زرتشتیان ارتقا می‌داد، انتقال موروثی مناصب روحانیون و کلانتران و مخالفت با هرگونه تغییر، عملاً پس‌افتادگی اقلیت را تحکیم می‌بخشید. از این‌رو مانکجی با استفاده از تجربهٔ پارسیان هند در تغییر متولیان امور، بستری فراهم آورد تا در کنار روحانیون، افرادی از دیگر طیف‌های اجتماعی نیز به این حوزه راه یابند. این اقدام نه تنها از حیث جابه‌جایی تدریجی نخبگان و تغییر واسطهٔ حکومت با زرتشتیان قابل‌توجه می‌نمود که به‌عنوان نمونه در پی شکایت از کدخدا بهزاد ،کلانتر وقت، برای نخستین بار فردی از این گروه در پنجایت استنطاق گردید و پس از دو سال کنکاش، در جلسهٔ امرداد ۱۲۲۵ی/۱۲۷۳ق معلوم گردید که وی یکصد و نود وهشت قران زیادتر از حد مقرر از زرتشتیان دریافت داشته است(شهمردان، ۱۳۶۱: ۱۳۸).

ج: ثبت اسناد و حمایت از انجام اصلاحات

مطابق با گزارش‌های موجود در آخرین جلسه پنجایت که (ورهرام و بهمن ماه ۱۲۲۵ی) در محل آتش ورهرام برپا گردید، فرامین دولتی به‌همراه دیگر نامه‌ها و اسناد مربوط به زرتشتیان را در صندوقی

آهنی نهاده و دستور نامدار کیخسرو را مسئول نگهداری از آن نمودند تا در مواقع ضروری محل ارجاع جماعت باشد (شهمردان، ۱۳۵۴: ۲۵).

علاوه بر آن، بُعد دیگر اهمیّت پنجایت در چالش کشیدن موبدان، پیرامون مسائل دینی و ارتقای آن به عاملی در حمایت از اقدامات مانکجی و انجمن پارسیان نزد حکومتگران مرکزی بود.چنان‌که در نخستین مورد، مانکجی ضمن دعوت از موبدان به حضور در پنجایت آن‌ها را ملزم به رعایت ضوابط زرتشتی دربارهٔ سدره‌پوشی (۲۲) و کُشتی‌بستن (۲۳) نمود (شهمردان، ۱۳۶۱: ۱۳۹) و در بُعد دوم همگام با تلاش‌های لغو جزیه، پنجایت یزد با ارسال نامه‌هایی به دربار و تأکید بر زیاده‌خواهی‌های عمال دیوانی بر اقدامات مانکجی صحه گذارد (برای نمونه نک: اسناد و مکتوبات وگزارشات مانکجی هاتریا، چاپ سنگی).

ساخت ابنیهٔ دینی

الف: دخمه

از آنجا که انجمن اکابر، تداوم حیات زرتشتیان را بر هجرت آن‌ها ترجیح می‌داد، لاجرم ساخت و احیاء ابنیه دینی از مهمترین ابعاد تداوم موجودیت زرتشتی‌گری به‌شمار می‌رفت. بر پایهٔ اسناد موجود، یکی از مشکلات زرتشتیان یزد به عدم جواز ساخت و تعمیر معابد و خاصه دادگاه یا همان برج خاموشان بازمی‌گشت که تا حدی ریشه در باور جامعهٔ اسلامی به عدم تساوی اهل ذمه با مسلمین داشت(۲۴) (برای نمونه نک به علامه مجلسی،نسخه خطی). البته جدای از مخالفت متولیان شرعی و عرفی، تفرق درونی جماعت (۲۵) و ناکارآمدی موبدان نیز مضاعف گردیده و به‌رغم همّت برخی از بزرگان زرتشتی ایران و هند به ساخت دخمه، اموال ارسالی به هدر رفت. چنان‌که مانکجی در سخنرانی خود به مناسبت لغو جزیه (۱۳۰۰ق)، به فردی با نام فرود هرمزدیار شاهزاده، اشاره می‌نماید که از بوشهر ۲۰۰ تومان جهت بازسازی دخمهٔ رو به ویران یزد ارسال داشت؛ امّا اهالی بواسطهٔ «تنبلی و عدم یکدلی» (اشیدری، ۲۵۳۵: ۴۳۳) آن را حیف و میل کردند. هم‌چنین مدت‌ها پیش از حضور مانکجی، عده‌ای از پارسیان هند مبالغ هنگفتی ـ گویا ۲۰۰۰۰ روپیه ـ برای ساخت دخمهٔ جدید یزد فرستاده بودند که به دلیل «عدم دانایی و آگاهی در کارها، از آن پول آن چنان آغاز بنیادی نهادند که به سی هزار تومان آن کار انجام‌پذیر نمی‌گشت» (مانکجی، ۸۳؛ Faravahr,org).

به هر روی و با چنین سابقه‌ای، مانکجی در گزارش خود به انجمن، بر ویرانی دخمه‌های یزد و شریف‌آباد تأکید نهاده و پارسیان با ارسال مبالغ هنگفتی تحت عنوان «وجه امدادی» (اسناد و مکتوبات و گزارشات مانکجی هاتریا، همان: ۱۴۸)، در صدد احداث دو دخمه برآمدند. مبتنی بر صورت جلسه های پنجایت، ساخت دخمهٔ یزد ـ واقع در کوه نریمان (جکسن، ۱۳۵۳: ۴۴۵) ـ (۲۴ یوم فروردین و آبانماه سنهٔ ۱۲۲۵ی/۶ رمضان ۱۲۷۲ق) (اشیدری، همان: ۲۷۲) با حضور مانکجی و جماعت گسترده‌ای از زرتشتیان آغاز و بهدینان محلی پرداخت ۲۰۶ تومان از هزینه‌ها را تقبل کردند (شهمردان، ۱۳۶۱: ۱۲۹) و با اتمام بناـ که نوزده ماه به طول انجامید (اشیدری، همان: ۲۷۲) ـ لوحی به مضمون زیر بر سر در آن نصب گردید.

«هو الله تعالی شأنه

از بخشش پاک یزدان چون حکم شرع شریف و سلطنت جاوید مدت همایون به تاریخ ششم رمضان‌المبارک ۱۲۷۲هجریه یوم فروردین ایزد اج آذرماه قدیم سنه ۱۲۲۵ ایزدجردی کار این دخمه انجام رسید و در بضیعه اسلام مقرر است که مَن اَحیی اَرضاً فَهیَ له (۲۶) و موافق نص قرآن مجید که لا تدخُلوا بُیوتاً اِلا أن یُؤذن لکم (۲۷) بدون اذن صاحب خانه دخول در بیت حرام است و همچنین در کتاب پارس قدیم مذکور است که در دخمه و دور دخمه سوای حمل و نقل‌کنندگان میت کسی دیگر جایز نیست. از این سبب دعا و آفرین از جانب این مسافر، درویش فانی مانکجی ابن لیمجی ولد هوشنگ هاتریا فارسی هندوستانی بر خواننده و عمل کننده به آن باد و خلاف کننده به لعنت حق و پیغمبران او و نفرین ملایکه گرفتار باد» (اسناد و مکتوبات و گزارشات مانکجی هاتریا: ۱۸۱).

همچنین در لوح دخمه روستای شریف آباد (روز فروردین از ماه سپند ۱۲۲۵ی/۱۲۷۲ هجری /۱۸۵۶م) نیز با تأکید بر همت پارسیان هند به‌انجام این مهم از آنها به عنوان «رعیت معدلت بسط انگلیس» یاد می‌شود (اشیدری، ۱۳۸۳: ۹۱).

در مجموع و از فحوای کلام الواح مذکور دو نکته حائز اهمیت است؛ نخست: تلاش در جلب حمایت متولیان شرعی و عوام با استناد به آیات قرآنی و احادیث شیعی در حرمت تعرض به اماکن زرتشتی و دوم: با توجه به گسترهٔ نفوذ سیاسی انگلیس در ساختار قدرت ایران، اعلام تابعیت انگلیسی پارسیان در راستای جلوگیری از مخالفت با اماکن مرتبط با اتباع انگلیس قابل توجه می‌نمود.

ب: ساخت و مرمت عبادتگاهها

مانکجی به‌هنگام سفر به ایران، ضمن تهیهٔ گزارش از وضعیت زرتشتیان توسط مهروانجی ـ پسر گلستان‌بانو و از برجسته‌ترین حامیان مهاجرین زرتشتی به بمبئی ـ مأموریت یافت تا بنابر درخواست مادرش، در زیارتگاه پارس‌بانو(۲۸) واقع در زرجو عقدا خیله‌ای بزرگ ساخته و گنبدی نیز بر زیارتگاه پیر سبز بنا نهد (شهمردان،۱۳۶۱، همان: ۲۹۱؛ Karaka,Ibid,vol1:88). بر این اساس همگام با دخمه‌های یاد شده، ساخت پذیرشگاه حیات بانو (۲۹) نیز با نظارت مانکجی پایان یافته و بر لوح آن ضمن اشاره به دوران ناصرالدین شاه نوشت:«تعمیر این مکان شریف که محل غیبت خاتون بانوی پارس دختر شاه یزدجرد شهریار، خاله امام سجاد صلوات الله علیه است، به همت جناب مهروانجی ابن فرامجی پاندی هندوستانی که همیشه معین طایفه ایرانند» (اشیدری، همان: ۹۹) احداث گردید.

همچنین، متن ضمن اشاره به حضور مانکجی و پسرش ـ هرمزد جی ـ دربارهٔ رسم کشتن گاو در مراسم عبادی زیارتگاه برآنست که «چون سابق بر این ندانسته گاو ذبح می‌شد و به فتوای پیشوایان دین این عمل خلاف است، مِن بعد هر کس مرتکب این فعل خلاف شود، به لعنت خدا و نفرین انبیاء گرفتار می شود» (۳۰) (همان: ۹۹).

در واقع چون کسب وجاهت عمومی با استناد بر روایات متضمن رعایت حال اهل ذمه و اصلاح درونی جماعت، از مهمترین اهداف مانکجی به شمار می‌رفت، لذا در لوح مذکور همزمان به انتساب خویشی خاتون بانو به امام سجاد و مذمت رسم کشتن گاو به عنوان آئینی انحرافی تأکید رفته است.

علاوه بر این، نگاه دیگر مانکجی در احیای اماکن دینی، به ساخت آتشگاه معطوف بود. به رغم محدودیت‌های جاری از سوی متولیان شرعی جامعهٔ اسلامی که هم‌طرازی اهل ذمه با مسلمین را جایز نمی‌دیدند،(۳۱) وی یکی از امتیازات معابد را در تجمع روزانه یا هفتگی جماعت می‌دید که «موجب محبت و اتفاق آنها» خواهد شد (امینی، ۱۳۸۰: ۱۹). بر این اساس، ضمن ساخت آتشگاهی بر دخمهٔ یاد شدهٔ شریف آباد (برای متن لوح نک:Deed of,Ibid:181)، در شهر یزد نیز با انتقال مکان آتشگاه ورهرام ـ بنابر جلسه پنجایت (ورهرام شهریور ۱۲۲۵/ ۱۲۷۲ق) این انتقال در تاریخ سروش ایزد مهرماه سال ۱۲۲۵ی صورت یافت(۳۲) ـ بر لوح آن هدف از این اقدام را آسایش هم‌کیشان و خاصه«موبدگاه و محل عبادت و آسایش دارالقرار و خواندن گهنبار و جمع شدن انجمن» (Ibid,205) ذکر نمود.

احیای انسجام درونی

گذشته از بازسازی و ساخت بناهای دینی، بخش دیگر از اقدامات مانکجی به سامان‌دهی درونی جماعت باز می‌گشت که به دلیل افت آموزشی، فقر آثار مذهبی(۳۳) و ناکارآمدی دستوران(۳۴) از زرتشتی‌گری جز نام نداشتند (مانکجی، Faravahr,org، همان: ۸۶). اقدام‌های صورت گرفته توسط وی در این راستا عبارت بودند از:

الف: برقراری آیین سدره‌پوشی و کُشتی‌بستن

شاید بتوان یکی از بارزترین نمودهای سهل‌انگاری زرتشتیان یزد در رعایت ضوابط دینی را ترک آئین سدره و کشتی‌بستن دانست که نماد ورود رسمی به زرتشتی‌گری بود. از این‌رو مانکجی ضمن آموزش نحوهٔ انجام مراسم مذکور (مانکجی، ۱۲۸۰، همان: ۵۹)، با همیاری انجمن اکابر،(۳۵) تعدادی سدره و کشتی از هند تدارک دیده و میان خانواده‌ها توزیع نمود(۳۶). هم‌چنین با تثبیت پنچایت، وی ضمن فراخوان موبدان (۱۲۲۴ی/۱۲۷۲ق) از آنها تعهد گرفت که «هر بهدینی سدره نداشته باشد و موبد به خانه وی رود آن موبد از کار عزل و هوشت از او بگیرند»(۳۷) (شهمردان، ۱۳۶۱ :۱۴۰–۱۳۹).

ب: اعمال ممنوعیت‌های دینی

اختلال نظم درونی و تأثیرپذیری از محیط پیرامون، باعث عاداتی در زرتشتیان شده بود که هم آسیب‌پذیری جماعت را تشدید می‌کرد و هم از نشان زرتشتیان به‌عنوان اقلیتی خاص می‌کاست. از این-رو مانکجی بر آن شد تا از طریق پنجایت، شرب خمر در اماکن عمومی و عدم رعایت حجاب معمول مسلمین توسط زنان زرتشتی را ممنوع نماید (نک: جلسه ورهرام آبانماه۱۲۲۵ ی. اشیدری، ۲۵۳۵: ۲۷۲). همچنین در راستای حفظ تمایز اقلیت از محیط پیرامون و بازسازی نظم داخلی، استعمال چپق و قلیان، رجوع به علمای مسلمان در ازدواج، چند همسری، طلاق، حنا بستن محاسن و انگشتان، سرتراشیدن،کناسی، حمل میت بدون غسل و... را ممنوع کرد (شهمردان، ۱۳۶۳: ۳۹۲–۳۹۱).

ج: تأکید بر حل درونی اختلافات

براساس اصل عدم تساوی مسلمین و اهل ذمه در محاکم شرعی (Framjee,Ibid:45) که عمدتاً به جانبداری از فرد مسلمان می‌انجامید، مانکجی رفع اختلافات در چارچوبهٔ جماعت را بر سرایت دعاوی به محاکم اسلامی ترجیح می‌داد (۳۸). از این‌رو به هم‌کیشان سفارش نمود که «در هر شهری کارآگاهان، ریش‌سفیدان خود را انتخاب و در کارهایی که در میان خودشان و رجوعاتی که به دیوان اعلی اتفاق می‌افتد، به اظهار کرده و سؤال و جواب در فتن این قلیل امورات را به او واگذار نمایند» (مانکجی، همان: ۸۷؛ Faravahr,org). وی هم‌چنین برای مواقع ضروری که برخی از مشکلات با پرداخت مبالغی به افراد ذی‌نفوذ رفع می‌شد، به اعضای جماعت پیشنهاد نمود تا در مراسم‌هایی نظیر: ازدواج، گهنبار نانی و لرکی (۳۹) مبلغی را برای به پنجایت بپردازند (شهمردان، همان: ۳۹۳).

د: حمایت از فقرا و تدارک ازدواج جوانان

در شرایطی که اکثریت اعضای انجمن اکابر و نیز مانکجی بر حفظ زرتشتیان ایران اهتمام داشتند، فقر عمومی عامل معتبری در مهاجرت و یا تغییر کیش به اسلام بود. از این‌رو توزیع خوراک، پوشاک و دارو میان فقرا (مانکجی، ۸۵؛ Faravahr,org) و حمایت مالی از جوانان در ازدواج، دو راهکار مانکجی در پیشگیری هر چند موقتی از کاهش جمعیت و گرایش به اسلام به شمار می‌رفت (نک: جلسه ورهرام شهریور ۱۲۲۵ی و دریافت اعانه جمشید جی برای نکاح یک صد دختر و پسر، اشیدری:۲۷۱).

بیسوادی و ضرورت تعلیم و تربیت

فقر ناشی از عدم تعادل جزیه با توان مالی، فشارهای اجتماعی، ناهمگونی درونی و... از جمله مهمترین عواملی به شمار می‌رفتند که سوادآموزی زرتشتیان را از ضرورت عام به نماد طیف خاصی چون روحانیون محدود می‌ساخت. انتقال موروثی مناصب دینی نه تنها توجیهی بر ریاست دودمانی روحانیون بود که انحصار تحصیل به موبدزادگان، راهکاری در حفظ جایگاه و شاخصه‌ای در تمایز از رعایا به شمار می‌رفت. بدین ترتیب هر گونه تغییر در وضع موجود و یا چنان‌که مانکجی استدلال می‌کرد، رمز ورود زرتشتیان به امور دولتی (مانکجی،۱۲۸۰: ۲۴) مستلزم تربیت نخبگانی برآمده از مدارس بود. موضوعی که انجمن اکابر را بر آن داشت تا در سال ۱۸۷۵م ساخت مدارسی در شهرهای یزد و کرمان را محل توجّه قرار دهد (Karaka,Ibid:83).

با اختصاص بودجهٔ مذکور، مانکجی به‌عنوان بانی مدارس زرتشتی در خرمشاه، مزرعـهٔ قاسـم‌آبـاد، مُریاباد، کسنویه، اهرستان، نرسی آباد، کوچه بیوک، در محله، مبارکه، زین‌آباد و شرف‌آباد، یازده مدرسـه احداث نمود (اشیدری، ۲۵۳۵: ۲۶۹). در کنار معضل فقدان معلم آشنا به دروس جدید که عملاً مـدارس یاد شده را به‌سطح مکتب‌خانه‌های تدریس اوستا و دیگر علوم دینی تنزل می‌داد، آغاز بـه کـار و تـداوم حیات مدارس با دو مشکل اساسی روبرو بود.مخالفت متولیان دینی مسلمان بـا سـوادآموزی زرتشـتیان (۴۰) و همراهی دستوران زرتشتی با ایشان که تحصیل رعیت‌زادگان را مغایر بـا منـافع و برتـری خـود می‌دیدند(۴۱). به هر روی و با تمام کارشکنی‌های دستوران و ریش‌سـفیدان کـه در نامـه‌نگـاری علیـه مانکجی به‌انجمن پارسیان نمود یافت (برای نمونه هایی از این مخالفت ها، نک: رسـالهٔ اظهـار احقـاق الحق، چاپ سنگی)،(۴۲) اقدام وی تحرکی در رعایای زرتشتی را باعث شده و زمینه‌سـاز تربیـت نسـل نوینی از دانش‌آموختگان گردید.در تحلیلی دقیق‌تـر اهمیّـت ایـن اقـدام را بـا لحـاظ مخالفـت برتـرین نمایندگان اقلیت می‌توان درک نمود. طیفی که حسب وجاهت در میـان اقلیتـی بـا موجودیّـت دینـی از یکسو خود را به‌عنوان عالی‌ترین مرجع دینی، بی‌نیاز از هـر گونـه تحصـیل مـی‌دیدنـد و از دیگـر سـو سوادآموزی روستازادگان را خطری در تغییر وضع موجود می‌دانستند. لـذا مـانکجی در تلاشـی دوسـویه علاوه بر ساخت مدرسه برای اطفال زرتشتی، تحریک موبدزادگان به تحصیلات دینی در هند را چاره‌ای بر تغییر نگرش نسل جایگزین یافت. این موضوع گرچه در آغاز با مخالفت والدین آنها مواجه شـد؛(۴۳) امّا راهی گشود تا افرادی چون: ملاکیخسرو و دستور تیرانداز ـ با مرگ پدرانشان ـ به بمبئی رفته و بـه تحصیل علوم دینی مشغول شوند.

به‌هر روی و در جمع‌بندی از تلاش‌های مانکجی در زمینهٔ تعلیم و تربیت ذکر چند نکتـه ضـروری می‌نماید. نخست: برغم مخالفت روحانیون زرتشتی و مسلمان با سوادآموزی زرتشتیان یزد، پیگیری وی و حمایت‌های مالی انجمن اکابر در تأسیس مدارس، نه تنها نخبگان فرهنگی را به غیر روحانیون بسـط داد(۴۴) که در کارزار رقابت، موبدان را نیز به ساخت مدرسهٔ دینیاری هدایت نمود.دوم: درکنار اقدام بـه ساخت مدارس یزد و کرمان، به دلیل گستردگی دامنهٔ مخالفت‌ها و عدم کادر مورد نیاز، بنا بـه پیشـنهاد مانکجی (مانکجی،۱۲۸۰: ۲۳)، انجمن اکابر با اهداء۲۵۰۰۰ روپیه توسط نسروانجی مـانکجی پتیـت بـه یادبود پسرش جمشید جی (Karaka,Ibid:83) اقدام به ساخت مدرسهٔ شبانه‌روزی و رایگـان بُردینـگ اسکول در تهران نمود (۱۸۶۴م) (شهمردان، ۱۳۶۱: ۱۴۹) که هر چند پس از ده سال فعالیت به واسـطهٔ هزینـهٔ سـنگین و عـدم تناسـب آن بـا منـابع مـالی انجمـن تعطیـل گردیـد (مـارس ۱۸۷۶م) (Karaka,Ibid:82)، امّا نقش مهمی در تربیت اطفال یزدی داشت.چنان‌که مانکجی طی سفر دوم خود،

۱۲ نوجوان کرمانی و ۲۰ نفر از یزد را به تهران آورده و آن‌ها تا پنج سال تحت تعلیم معلمین اعزامی از هند قرار گرفتند(۴۵) (مانکجی،۱۲۸۰: ۷۱). سوم: نه تنها مدرسهٔ تهران در تربیت معلم برای مدارس یزد نقش داشت که افرادی نظیر کیومرث وفادار را بر آن داشت تا با استفاده از گسترش روابط با هند، از خرمشاه یزد به بمبئی سفر نموده و ضمن جلب حمایت مالی پارسیان، در روستاهای اطراف شهر اقدام به ساخت مدارس رایگان نمایند (وفاداری،۱۳۵۰: ۲۰-۱۹).

تلاش در لغو مالیات جزیه

مطابق با مطالب پیش گفته، هر چند صندوق بهبود، اولویت خود را در لغو جزیه از همکیشان قرار داد؛(۴۶) امّا آبشخور این مالیات در فقه اسلامی و بافت دینی جامعه دو مانع عمده برای تحقق آنی چنین هدفی بود. به‌عبارت دیگر در شرایطی که باور دینی جامعه تساوی اهل ذمه با مسلمین را بر نمی‌تافت و اخذ جزیه نمادی از این تلقی به شمار می‌رفت؛ بالطبع حصول به مقصود مستلزم زمینه‌هایی چون ورود در حلقهٔ دولتمردان، جلب حمایت شاه و ایجاد ارتباط با حداقل طیفی از روحانیت شیعی بود که با تسامح بیشتری نسبت به اهل ذمه برخورد می‌کردند(۴۷). در دو مورد نخستین، انجمن علاوه بر حمایت مالی و تقبل هزینه‌ها، وساطت انگلیس در راهیابی مانکجی به کانون‌های قدرت را شرط لازم برای موفقیت می‌دانست(۴۸). لذا با تکیه بر روابط نزدیک پارسیان و کارگزاران انگلیسی هند، بر آن شد تا در شرایطی مشابه با حمایت دول غربی از مسیحیان ایران،(۴۹) پشتوانه‌ای سیاسی برای هم‌کیشان خود فراهم آورد. چنان‌که در کاربستی از مجموعه عناصر یاد شده و طی بیست و پنج سال تلاش بی-وقفه تا لغو نهایی جزیه، مانکجی سه گام معتبر را در کارنامه خود ثبت نمود:

الف: تخفیف مبلغ جزیه

مطابق با اسناد مانکجی، یکی از مهمترین مصایب زرتشتیان، رشد بی‌رویهٔ جزیه بود که عمال دیوانی برخلاف میزان مقرر و با سوءاستفاده از بُعد مسافت یزد از مرکز دریافت می‌داشتند. وی در نامه‌های خود به گزارش سفرنامه‌نویسان اروپایی اوایل قاجار از زرتشتیان یزد استناد می‌ورزد که با جمعیتی قریب هفت هزار خانوار ۲۰۰ تومان جزیه می‌پرداختند (مانکجی، ۱۲۸۰: ۱۱). حال آنکه با وجود تقلیل این نفرات به هفتصد خانوار در عصر ناصری، مبلغ درخواستی تا ۲۰۰۰ هزار تومان افزایش یافته بود (Framjee,ibid:39-40). از این‌رو یکی از نخستین اقدامات وی که با وساطت راولینسون سفیر

وقت بریتانیا در تهران صورت پذیرفت، دریافت حکمی از ناصرالدین شاه مبنی بر تخفیف ۱۰۰ تومان از ۹۳۷ تومان مبلغ رسمی این مالیات بود (Ibid:75Karaka,).

ب: تیول امور زرتشتیان یزد

هر چند اقلیت‌های دینی در آسیب‌پذیری از بحران‌های دمادم، آرامش و امنیت نسبی مناطقی نظیر یزد را بر نزدیکی به کانون‌های قدرت ترجیح می‌دادند؛ امّا بُعد مسافت از مرکز و عدم‌تحرک فرهنگی فرصتی به کارگزاران دیوانی و بعضاً شریعت‌مداران می‌داد تا از اصل عدم تساوی حقوق اهل ذمه با مسلمانان و تحت عنوان مجریان قانون، هر اجحافی در اخذ بی رویهٔ جزیه و یا دیگر فشارهای اجتماعی را روا دارند. از این‌رو دومین راهکارمانکجی تا لغو جزیه را می‌توان درخواست واگذاری امور زرتشتیان یزد به تیول وزیر عدلیه دانست که شاه طی حکمی (چهارم ذی قعده ۱۲۷۵ق)، به استثنای وجه مراعی که حاکم دریافت می‌داشت،«وجه مالوجهات دیوانی طایفهٔ زردشت ساکنین دارالعباد یزد» را از بابت مواجب به معتمدالدوله سپرده (۵۰) و تأکید می‌نماید که«حسب این حکم محکم وجه بدهی دیوانی آنها اخذ و دریافت» گردد (Deed of settlement ,Ibid:96) البته این اقدام که در راستای کاهش واسطه های میان زرتشتیان با حکومت مرکزی و ادارهٔ مستقیم امور از تهران صورت پذیرفت، با مرگ معتمدالدوله به سعیدخان انصاری واگذار شد (مانکجی، ۱۲۸۰ق: ۲۲) که یکی از عوامل مؤثر در لغو آتی جزیه به شمار می‌رفت.

پرداخت جزیه توسط انجمن اکابر

هر چند واگذاری امور زرتشتیان به تیول صاحب منصبان مرکزی، تدبیری در مهار حکام و مستوفیان محلی بود؛ امّا در فقدان نظارت و نیروی مورد نیاز، ارجاع به کارگزاران مذکور، تداوم روند پیشین را باعث می‌شد. چنان‌که آن‌ها با عناوینی چون: حق‌الحکومه، داروغگی، حقوق دیوانی و... همچنان بر مبلغ جزیه افزوده و صرفاً وجه مقرر را به تهران ارسال می‌داشتند.از این‌رو انجمن با پیشنهاد مانکجی پذیرفت تا سالانه مبلغ درخواستی را از طریق نماینده خود در تهران بپردازد که این موضوع تا صدور فرمان لغو جزیه برقرار ماند (آذرگشسب، ۱۳۵۸: ۱۰۳).

نهایتاً انجمن اکابر پس از بیست و پنج سال تلاش بی‌وقفه و مخارجی معادل ۱۰۹۶۴ روپیه، معادل ۲۵۷۴۷۵ فرانک (اشیدری، ۲۵۳۵: ۴۳۲)، موفق گردید تا به‌همت افرادی چون: تامسن وزیر

مختار انگلیس در تهران، ارل. آر. گرانویل وزیر امورخارجه انگلیس، سعید خان انصاری، وزیر امور خارجه، نیز همیاری ظل‌السلطان و نایب‌السلطنه و مجلس شورای دربار در رمضان ۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م فرمان لغو جزیه را از ناصرالدین شاه دریافت دارد .فرمانی که مطابق با آن زرتشتیان یزد و کرمان از پرداخت۸۳۵ تومان معاف شدند، که از این مقدار ۸۰۰ تومان را بهدینان یزد و مابقی از کرمان دریافت می شد، خلاصی یافتند(۵۱).

در جمع‌بندی نهایی از کارکرد انجمن اکابر و مانکجی ذکر نکاتی ضروری است. نخست: ارتقای وجاهت و موقعیت اقتصادی پارسیان به‌همراه تأثیرپذیری از فرهنگ نوین غرب نه تنها در جابه‌جایی نخبگان از متولیان دینی به سرآمدان تجاری صنعتی بروز یافت که با شکل‌گیری انجمن‌های خیریه باب نوینی در روابط آن‌ها با هم‌کیشان ایرانی گشوده شد.دوم: سابقهٔ تجاری مانکجی و نیز گشایش راه بازرگانی کمپانی هند شرقی با ایران از طریق خلیج فارس، ضمن گسترش روابط زرتشتیان یزد و هند بر امکان تجارت پارسیان با ایران افزود (Lowson,1993:66-68). سوم: گسترهٔ روابط مانکجی با متولیان سیاسی و شرعی (برای نمونه نک به ۱۴ استفتاء از شیخ مرتضی انصاری در مورد نحوهٔ رفتار با زرتشتیان. مانکجی،۱۲۸۰ق: ۵۵ـ۳۵)تا حدی بر رفتارهای دلبخواهی کارگزاران قدرت و نیز اشرار محلی افسار زد. چهارم: به واسطهٔ تلاش‌های مانکجی، انجمن موفق گردید تا متکی بر روابط پارسیان با کارگزاران انگلیسی هند، پشتوانهٔ سیاسی ذینفوذی برای هم‌کیشان خود در ایران فراهم آورد. پنجم: مانکجی با حمایت مالی انجمن در تأسیس مدارس به تربیت نسلی تحصیل کرده همت گمارد که به مرور سیطرهٔ روحانیون سنتی را به چالش کشیدند. ششم: در سایهٔ اقامت درازمدت مانکجی در پایتخت، ایجاد مؤسساتی چون مدرسهٔ شبانه‌روزی و حمایت از مهاجرین زرتشتی، تهران به کانون معتبری در تجمع زرتشتیان مهاجر از شهرهای یزد و کرمان ارتقا یافت و تجار و صرافانی نظیر جمشیدیان و جهانیان، محصول چنین شرایطی بودند. هفتم: بر اثر اقدامات مانکجی در گسترش ارتباط میان یزد با مرکز و خاصه پارسیان هند، مسائل زرتشتیان به روزنامه های چاپ بمبئی راه یافته و از این حیث نیز تا حدی از سطح انزوای آنها کاسته شد(۵۲).

کیخسرو جی خان صاحب و تأسیس انجمن ناصری یزد

مانکجی پس از سی و شش سال تلاش برای ارتقای زرتشتیان در۱۳۰۷ق/فوریه ۱۸۹۰م فوت و او را در دخمهٔ تهران نهادند. با مرگ وی، انجمن پارسیان هرمزد جی پسرش را به نمایندگی برگزید که

درسفری به یزد بر اثر خفگی در حمام فوت کرد و مدت زمانی زرتشتیان بدون سرپرست ماندند. در نهایت و با فزونی نابسامانی امور، انجمن ضمن اعلان عمومی در هند متقاضیان واجد شرایط را به همکاری فراخواند که از آن میان کیخسرو جی برگزیده شد. کیخسرو جی خان صاحب پورتیرانداز پورخرسند، یزدی‌تبار و از اهالی کوچه بیوک بود که در پی قحطی سال ۱۲۸۸ق، به همراه خانواده عازم هند گردیده و ضمن تحصیل در دانشگاه بمبئی به اخذ دانشنامه BA نائل آمد (شهمردان، ۱۳۶۳: ۵۵۲).

او در سپتامبر ۱۸۹۰م، به نمایندگی از انجمن عازم ایران گردید و طی یک سال اقامت در تهران علاوه بر سامان‌دهی امور زرتشتیان ـ این نابسامانی به‌حدی بود که مدرسه تعطیل و در سرگردانی دانش‌آموزان، اطفال یزدی به شهر خود بازگردانده شدند ـ به واسطهٔ روابط مناسب امین‌السلطان، صدراعظم، با انجمن به حضور شاه راه یافته و با دریافت نشان شیر و خورشید طلا و لقب خانی، موفق به کسب مجوز تأسیس انجمن ناصری گردید (اشیدری، ۲۵۳۵: ۲۷۹).

پس از این مدت، کیخسرو سفری به یزد داشت (زارع، بی تا، ج۲/ ۱۱۶) و طی بیست روز اقامت، انجمن ناصری یزد را پایه‌ریزی نمود. به‌عبارت دیگر، با حضور کیخسرو در یزد تنی چند از تربیت یافتگان مانکجی یعنی کیومرث وفادار ـ که ضمن گزارش‌نویسی انجمن، مسئولیت آمد و شد نزد رؤسای عرف و شرع را نیز عهده‌دار بود (شهمردان، ۱۳۶۱: ۱۵۰) ـ و ماستر خدابخش بهرام رئیس (شهمردان، ۱۳۶۳: ۵۵۳؛ آبادانی، ۱۳۳۱: ۱۶)، پیشنهاد ایجاد انجمن ناصری زرتشتیان یزد را ارائه نمودند که بر اثر پیگیری آن‌ها و حمایت کیخسرو این انجمن (رجب ۱۳۰۹ ق/ژانویه ۱۸۹۲م) در مدرسهٔ کیخسروی و با حضور جلال‌الدوله نایب‌الحکومه وقت اعلام موجودیت کرد (لُب خلاصه ریپورت انجمن ناصری زرتشتیان یزد، چاپ سنگی: ۶-۵). مطابق با اسناد موجود این انجمن با ۲۸ عضو از روحانی و عوام (شهمردان، ۱۳۳۲: ۸)، نه تنها در جبران عدم تشکیل مجالس کنکاش به رسیدگی کلیهٔ امورات عرفی و شرعی زرتشتیان می‌پرداخت که تصمیمات آن لازم‌الاجرا بود (برای مابقی بند ها نک: اشیدری، ۲۵۳۵: ۲۸۳-۲۸۴).

همچنین اساسنامهٔ انجمن با ۴۶ ماده، تولیت کلیهٔ امور جماعت را در حیطهٔ اختیارات خود قرار داد، ثبت املاک موقوفه در دفتر انجمن که به امضای رییس، دو نفر از اجزا و یکی از علمای شرع رسیده باشد، ثبت موالید، ازدواج طایفه و سرشماری در هر پنج سال، رایزنی در کلیهٔ امورات دینی، انحصار رجوع به حکومت؛ علمای شرع و ارائهٔ گزارش ماهیانه به متولیان سیاسی و حق ایجاد شعبه در داخل و خارج از یزد(۵۳) (اشیدری، همان: ۲۸۶-۲۸۵).

به هر روی انجمن، طی نخستین سال،(۵۴) ۶۵ جلسه تشکیل و ۸۶۸ فقره مطالب اجتماعی مورد بحث قرار گرفت. نیز در همین مدت ۳۲۹ نامه، حکم و عریضه، ۱۴ فقره تلگراف و ۱۴۵ استفتاء (شهمردان، ۱۳۶۳، همان: ۵۵۴-۵۵۳) دریافت نمود که خود حاکی از حجم وسیع موارد ارجاعی بود.

بدین ترتیب و چنان‌که از اساس‌نامه و حجم کارکرد انجمن در همان سال نخست بر می‌آید، هدف اصلی از شکل‌گیری چنین بنیانی به تحدید وظایف و اختیارات موبدان و روحانیون زرتشتی باز می‌گشت (زارع، بی تا، ج۲: ۱۱۵). به‌تعبیر دیگر در پی اقدامات مانکجی در توسعهٔ متولیان امور به افراد غیر روحانی، هم‌اینک به یمن مدارس نوین نخبگانی سر برآورده بودند که یکی از دلایل عقب‌افتادگی زرتشتیان را ریاست روحانیون محافظه کار و مخالف با هر گونه تغییر می‌دیدند(۵۵).

البته کیخسرو در کنار تشکیل انجمن ناصری، سرشماری نفوس زرتشتیان و جمع‌آوری اعانه برای تحقق اهداف انجمن اکابر را نیز در کارنامهٔ خود داشت. وی نه تنها انجمن ناصری را موظف کرد تا هر پنج سال، آمار هم‌کیشان را تهیه نماید (اشیدری، همان: ۲۸۵) که خود بر انجام آن پیش‌قدم شده و طی سرشماری سال ۱۳۰۹ ه.ق. نفرات آن‌ها با اسکان در ۲۴ نقطه ۶۹۰۸ نفر ثبت گردید. همچنین با توجه به خدمات و نقش معتبر کیخسرو در جلب اعتماد عمومی به اقدامات انجمن اکابر و هزینه هایی که پارسیان در احداث مدارس و لغو جزیه متقبل شده بودند، با درخواست وی به حمایت مالی از انجمن مذکور، زرتشتیان یزد ۱۴۲۵۰روپیه مساعدت نمودند (شهمردان، ۱۳۶۳: ۵۵۶).

نتیجه

هر چند امنیّت و آرامش نسبی، یزد را از عهد تیموری به‌کانون جذب زرتشتیان مناطق شمالی و خراسان ترقی بخشید؛ امّا همطراز با بُعد مسافت منطقه از مراکز قدرت، همراهی زرتشتیان یزد و کرمان در سقوط سلسلهٔ شیعی صفوی و تعصب دینی، اعضای جماعت را به‌مرور از همزیستی مسالمت‌آمیز به تحمل یکسویهٔ شرایط موجود هدایت نمود. به‌عکس افت تدریجی زرتشتیان ایران، حضور و سیطرهٔ دول غربی بر هند و خاصه انگلستان، فرصتی مغتنم در اختیار پارسیان نهاد تا در سایهٔ همکاری و کسب تابعیت غربی از کشاورزی به‌تجارت و شهرنشینی روی آورند. حاصل این تغییر نه تنها غنای مالی آن‌ها را باعث شد که پذیرش دستاوردهای نوین غرب در نظام تعلیم و تربیت، شکل‌دهی به طیف جدید نخبگان و انجمن‌های متعدد بازتاب یافت. چنان‌که با تشکیل انجمن اکابر پارسیان هند و عزیمت مانکجی به‌نمایندگی خود در ایران فصل نوینی در روابط هم‌کیشان گشوده و سرآغازی بر تحرک درونی جماعت گردید. به‌تعبیر دیگر مانکجی با حضور در یزد ضمن آشنایی نزدیک با مصائب

زرتشتیان که از نگرش متولیان دینی، بهره‌گیری کارگزاران سیاسی از فرصت بُعد مسافت منطقه از مرکز، تلقی عمومی نسبت به غیر مسلمین و نابسامانی درونی جماعت نشأت می‌یافت، راهکارهای چندی را محل‌توجه قرار داد. برقراری روابط مطلوب با طیفی از روحانیون که قائل به تسامح با اقلیّت‌ها بودند، نفوذ در جمع درباریان و خاصه شاه با وساطت کارگزاران انگلیس،اصلاحات درونی در جماعت با ایجاد پنجایت و مدارس از جمله این راهکارها به‌شمار می‌رفتند. در جنب چنین اقداماتی که در ظهور طیف نخبگان برآمده از مدارس و دریافت احکامی از شاه در تحدید اعمال بی‌رویه عمال حکومتی بروز یافت، تلاش بر لغو جزیه، مهمترین وجه از کارکرد انجمن در قبال زرتشتیان به شمار می‌رفت. با توجه به آبشخور جزیه از فقاهت اسلامی، بالطبع تلاش بر لغو آن نیز علاوه بر بستری مساعد و روندی طولانی، حمایت دولتی ذی‌نفوذ در ساختار قدرت ایران را می‌طلبید. موضوعی که هر چند نهایتاً در ترکیبی از همراهی سیاسی انگلیس و حمایت مالی انجمن در ۱۲۹۹ق به بار نشست؛ امّا در این مدت کسب امتیازاتی چون: تخفیف میزان جزیه، تقبل پرداخت آن توسط انجمن اکابر و تیول زرتشتیان یزد بستر مناسبی در تحقق این مقصود فراهم آورد. بدین ترتیب انجمن اکابر در سایهٔ اقدامات مانکجی، زمینه‌ای فراهم نمود تا دومین نماینده‌اش؛ یعنی کیخسرو جی خان صاحب با تأسیس انجمن ناصری نسل نوین نخبگان تربیت یافته در مدارس نوین را جایگزین روحانیون سنتی نموده و از این طریق راهی برای حضور فعال‌تر زرتشتیان یزد در عرصهٔ اقتصاد تجاری فراهم آورد.

یادداشت‌ها

۱- از روستاهای توابع اردکان که قدمت حضور موبدان آن به قرن ۱۵م(۱۴۷۸م) می‌رسید و به عنوان نمادی از موبدان‌نشینی، آتش ورهرام را در خود جای داده بود (Boyce,1977:4).

۲- از روستاهای زرتشتی‌نشین اردکان که قدمت آتشگاه آن به عصر صفوی می‌رسد (سیرو، ۱۳۷۱، ج۲ـ۱: ۱۸).

۳- برای مثال می‌توان به تخریب خانه‌های زرتشتیان یزد در نرسی‌آباد و توسط غیاث‌الدین میرمیران اشاره نمود (شهمردان،، ۱۳۳۶: ۵۵ـ۵۴).

۴- منظور کوچ اجباری جمعی از زرتشتیان یزد و کرمان به اصفهان در زمان شاه عباس اول است که منجر به قتل دو تن از موبدان گردید (نک: نامهٔ زرتشتیان یزد به پارسیان در ۹۹۶ی/۱۰۳۶ق. شهمردان، ۱۳۶۳: ۲۷۱).

۵- آن‌گونه که ارامنه در ولایتعهدی عباس‌میرزا با وساطت و اعمال نفوذ روسیه از پرداخت جزیه معاف شدند (Karaka,Ibid:61) و با گسترش فعالیت‌های تبلیغی انجمن‌های تبلیغی تحت حمایت قدرت-های برتر و ذی‌نفوذی چون انگلیس قرار داشتند.

۶- سیاحی به نام Westergarad از اهالی کپنهاگ در بازدیدی از یزد(۱۸۴۳م)تعداد کتب دینی زرتشتیان یزد را ۱۷ـ۱۶ جلد شامل دو یا سه نسخه وندیداد و یسنا و چند خرده اوستا می‌دانست (Karaka,Ibid:60).

۷- به‌عنوان نمونه به شورش محمد عبدالله در یزد حد فاصل مرگ محمدشاه تا تثبیت قدرت ناصر (۱۲۶۴ق) می‌توان اشاره نمود که پس از اخاذی سه هزار ریال تاجری زرتشتی دستور به‌منع غارت اموال عمومی داد (سپهر، ۱۳۵۳، ج۳: ۶۴).

۸- داستان مهاجرت به هند را موبدی به نام بهمن‌پور کیقبادپور هرمزدیار از اهالی سنجان در ۱۰۰۸ق /۱۶۰۰م به رشته نظم درآورد.

۹- قصهٔ سنجان شرایط راجه گجرات در پذیرش اسکان زرتشتیان را چنین ذکر می کند که «زبان شهر ایران دور دارند، زبان مُلک هندی را برآرند»، زنان پوشش هندی اختیار نمایند، آلات جنگی بر زمین نهند و مراسم ازدواج را بنابر مرسوم هندوان در شامگاه برگزار کنند» (روایات داراب هرمزدیار، ۱۹۲۲: ۳۴۷)

۱۰- از جمله موارد تأثیر پذیری پارسیان از هندوها می توان به تقلید از ایشان در مراسم عروسی و یا بسان مرتاضین در پرهیز از خوردن گوشت گاو اشاره نمود. (بویس، ۱۳۴۸– ۱۴۷)

۱۱- البته در فترت سیاسی سقوط صفوی تا پایان افشاریه گرچه توقفی در روابط را باعث شد، امّا به دنبال برقراری مجدد آرامش نسبی در حکومت کریم‌خان پارسیان فردی به نام ملاکاووس را با ۷۸ سؤال به یزد اعزام داشتند (Deboo,Ibid).

۱۲- حضور پارسیان در زمینهٔ سیاسی چون عضویت در دارالشورای لندن و یا در عرصهٔ اقتصادی به حدی گسترده می‌نمود که تنی چند از پارسیان به پانزده تا بیست کرور تومان می‌رسید (اشیدری، ۱۳۵۳: ۲۵).

۱۳- در سدهٔ ۱۱ق/۱۷م با اجارهٔ بمبئی به کپانی هند شرقی توسط دولت انگلیس و مهاجرت روزافزون پارسیان به این بندر، کمپانی بر آن شد تا اقوام و پیروان ادیان مختلف جهت ادارهٔ امور داخلی خود انجمن ها و یا در لغت هندی پنجایت هایی را تأسیس نمایند.

۱۴- وی از چنان جایگاهی در میان پارسیان برخوردار بود که به لقب گل میهن داده بودند (شهمردان، ۱۳۶۱: ۲۴۸).

۱۵- شهرت وی در مساعدت مهاجرین تا حدی بود که بدو لقب «پدر زرتشتیان مهاجر هند» دادند (بویس، ۱۳۴۸: ۴۲۵).

16- DestitudeIranicharity Funds

۱۷- اعضای انجمن همگی از فامیل نزدیک فرامجی و گلستان بودند: فرامجی بیکاجی پانده شوهر گلستان (رئیس)، فرامجی نوشیروانجی پتل (متولی)، پستن جی رستم جی پانده (متولی)، منوچهر جی فرامجی کاما (متولی)، پشوتن جی فرامجی پانده (دبیر) مهروانجی فرامجی پانده (دبیر).. (شهمردان، ۱۳۳۱: ۱۵).

۱۸- نخستین تولیت‌نامه در ۱۸۴۹م و توسط مهروانجی تنظیم گردید.مطابق ثبت دولتی انجمن پس از دهسال از تأسیس سرمایهٔ آن به ۲۹۴۷۶ روپیه رسید (شهمردان، همان: ۲۸۶).

19- Persian Zoroastrian Emilioration Fund

۲۰- با دریافت گزارش مانکجی از ایران، در ۱ ژانویه ۱۸۵۵م به پیشنهاد خورشید جی صاحب بن نوشیروانجی کاماجی جلسه‌ای به‌ریاست مانکجی نسروانجی پتیت برگزار و پس از قرائت گزارش مقرر گردید به هدف تعیین کمیته مدیریت برای جمع‌آوری حق اشتراک اعضا، صندوق دیگری ایجاد گردد (Karaka,Ibid,72).

۲۱- مطابق با آمار مذکور در کل ۶۵۹۴نفر زرتشتی در یزد و توابع ساکن بودند (اشیدری، همان: ۲۶۸).

۲۲- بسان آیین اسلام و مسیحیت که مراسم خاصی برای بلوغ اطفال دارند در میان زرتشتیان نیز با پوشاندن سدره ـ پیراهنی سفید، گشاد و بدون یقه ـ به اطفال نو بالغ او را حایز شرایط در انجام اعمال دینی می دانند.

۲۳-کُستی یا کُست یا کُستیک یا کُشتی یا بند دین ، بند سفید و باریک و بلندی است که از هفتاد دو گره بافته می شود و بر روی سدره بر کمر می بندند.

۲۴- در فرامین مضبوط در پنجایت یزد از ممانعت حکام شرع و عرف در بازسازی دخمهٔ قدیمی منطقه اشاره رفته است (شهمردان، ۱۳۵۴: ۲۵).

۲۵- مانکجی در نامه‌ای خطاب به پنجایت یزد (بین ۱۲۹۹ـ۱۲۹۷ق) ضمن گلایه از عدم همدلی جماعت در مورد ساخت معابد می‌نویسد: «اگر خانهٔ یکی از ارامنه یا یهود را کسی بخواهد اجاره کند و خم شراب بگذارد، همه متفق و راضی می‌شوند و همه روزه می‌روند و چنانچه کسی اظهار دارد که عبادت‌خانه باید ساخت، هر یک به عذری متعذر می‌شوند. یکی می‌گوید من اجیرم و اختیار با ارباب است؛ جوان‌ها عذر می‌آورند که اختیار باریش سفیدان است؛ پیرمردها متعذر می‌شوند که ما اهل این بلد نیستیم و دخمه و عبادتخانه لازم نداریم؛ زیرا که اعتقادشان این است، که این جا نمی‌میرند بلکه گویا چنین می‌دانند که هیچ نمی‌میرند» (امینی،۱۳۸۰ :۲۰ـ۱۹).

۲۶- اصل روایت «من احیا ارضاً مواتاً فهی له» از امام رضا (ع) است که کلمه «مواتاً» از آن حذف شده است. روایت مربوط به تعلق اراضی موات و بدون صاحب به امام بوده و امام صادق نیز در روایتی از ابن

بصیر خرید اراضی از اهل ذمه را بلامانع می‌دانند که اگر آن را احیا نموده باشند، مالک به شمار می‌روند (صدر، www.Rasekhoon.net).

۲۷- سورهٔ احزاب آیهٔ ۵۳.شأن نزول آیه به ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش باز می‌گردد که ولیمه‌ای ترتیب داده شد ولی چند تن از میهمانان پس از غذا به بحث با یکدیگر مشغول شده و هر چه پیامبر تلاش نمود که به خانه‌های خود بروند، موفق نگردید و آیهٔ مذکور نازل شد (برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ شأن نزول آیهٔ نک: www.tebyan.net).

۲۸- زیارتگاهی در جنوب عقدا که زرتشتیان از اول تا پنجم تیرماه برای زیارت بدانجا می‌روند. بنابر روایت آنها دختر یزدگرد پس از تعقیب و گریز بدانجا آمده و با خواست الهی کوه دهان باز کردهٔ او را در خود جای داد.یکی از زرتشتیان شبانگاه او را در خواب دید و به خواهش وی محلی بر مزارش ساخت که تا امروز پابرجاست (افشار، ۱۳۷۴، ج۱: ۴۵؛ سروشیان، ۱۳۳۵: ۲۰۴).

۲۹- بنا به روایت زرتشتیان، در کوه های میان اردکان و انجیره و در محلی که مسلمین آن را پیر سبز چک چکو می‌خوانند، مزار حیات بانو دختر یزدگرد است که بسان خواهرش خاتون بانو در دل کوه فرو رفته است و زرتشتیان در سوم تا دهم تیرماه به زیارت آنجا می‌روند (افشار، همان: ۶۵ـ۶۳؛ سروشیان، همان: ۲۰۵ـ۲۰۴).

۳۰- ممنوعیت تعمیر و ساخت آتشکده و دیگر معابد به حدی وسیع بود که تا زمان مرکزیت موبدان در ترک آباد و شریف‌آباد آتش ورهرام در خانه‌هایی مشابه با دیگر منازل روستایی و به صورت مخفیانه نگهداری می‌شد (Deboo,Ibid).

۳۱- مدتی پس از این پارسیان، با اختصاص مبالغی موقوفات به آتشگاه، توسعهٔ بنا و امکاناتی نظیر آب شرب، مخارج سوخت و مواجب آتوربان را متقبل شدند (شهمردان، ۱۳۳۶: ۲۲۱).

۳۲- یکی از نتایج روابط با پارسیان، انتقال تدریجی آثار دینی از یزد به هند بود (شهمردان، ۱۳۶۳، همان: ۴۷) که در جنب سایر شرایط مهمترین کانون زرتشتی‌گری ایران از داشتن کتب دینی محروم گردید (براون، ۱۳۴۴، ج۲ :۵۰۶؛ Framjee, Ibid 37:).

۳۳- مانکـجی بحـدی بر نا کارآمدی متولیان دینی تأکید داشت که حتی سقوط ساسانی را ناشی از کرده های ناشایست می‌دانست و نه حملهٔ عرب(مانکجی،۱۲۸۰ :۷۵).

۳۴- به عنوان نمونه رستم دینیار از بمبئی به نماینده خود در ایران، ۳۰۰روپیه برات نمود تا برای بینوایان سدره و کشتی تهیه شود(اشیدری، ۲۵۳۵: ۲۶۸ـ۲۶۷).

۳۵- بنابر صورت جلسه ورهرام و دیماه ۱۲۲۴ی/۱۲۷۲ق یک هزار سدره از بمبئی رسیده بود که قیمت هر یک نیم قران تعیین تا با ارسال مبلغ دریافتی سدره‌های دیگر از هند تهیه گردد (شهمردان، ۱۳۶۱ :۱۳۰).

۳۶- با وجود تدابیر مذکور، این مراسم همچنان مراعات نمی‌گردید؛ چنان‌که جکسن در بازدید خود از یزد (۱۹۰۳م) بر آنست که به رغم تأکید بر رعایت این آیین، یزد معمول نمی‌باشد (جکسن،۱۳۵۳: ۴۳۳).
۳۷- اجحاف به زرتشتیان در ثبت وقف‌نامه، قرارنامه و قباله در محاکم شرعی به حدی وسیع بود که مانکجی نوشتجات هم‌کیشان را خود و یا توسط میرزایش انجام می‌داد(شهمردان، ۱۳۳۱: ۳۹۴).
۳۸- زرتشتیان در سال شش جشن به نام "گهنبار" دارند و ضمن اوستاخوانی خیرات می‌دهند.در یزد دو نوع گهنبار لرکی که با هفت نوع میوه خشک پذیرایی و نانی که علاوه بر آن دو قرص نان ضمیمه می-گردد، برگزار می شود (امیدیانی، ۱۳۷۲: ۴۹ـ۴۶).
۳۹- اردشیر زارع در خاطرات خود به بلوایی اشاره دارد که پس از ارسال نامه‌ای به مانکجی رخ نموده و حجه‌الاسلام ـ از روحانیون متنفذ یزدی ـ به ارباب رستم گوشزد می کند، «مگر نه اینکه قرار بود گبرها درس نخوانند و به هیچ قسم، حق نداشته باشند درس بخوانند یا چیزی بنویسند» (زارع، بی تا، ج۱: ۶۰).
۴۰- در ماجرای مذکور، پاسخ ارباب رستم معرف نگرش متولیان زرتشتی در هم‌آوایی با روحانیون مسلمان است؛ «خدا می‌داند که من و دستور راضی نیستیم که اینها درس بخوانند ...آن وقت دیگر ملاحظه شأن من و دستوران و اربابان را نخواهند کرد. شاید یک‌وقتی مدعی خود ما هم شوند و اعتنا نکنند» (زارع، بی تا ، ج۱: ۶۱).
۴۱- کارشکنی رؤسای زرتشتی یزد در تعطیلی مدارس تهران و یزد مؤثر افتاده و حتی مانکجی ضمن استعفا برای مدتی تولیت آنها را به ایرانیان واگذارد (شهمردان، ۱۳۶۳: ۳۹۶).
۴۲- آنها در میان جماعت تبلیغ می‌کردند که هر کس پسر خود را به تحصیل گمارد، آن جوان می‌میرد (مانکجی، ۸۳؛ Faravahr,org).
۴۳- شکل‌گیری طیف جدیدی از نخبگان تعلیم یافته در مدارس، به‌حدی در ایجاد محدودیت بر روحانیـون اهمیـت داشت که زارع ضمن اشاره به حضور مستر خدابخش و خداد زارع در یزد که از دانش آموختگان مدارس بوده و برای معلمی آمده بودند؛ می‌نویسد:«آنها میان خود قراری نهادند که قانون صحیح از برای موبدان و اجرتی برای عمل دینی آنها معین نمایند که دیگر موبدان حق و حساب نداشته باشند که مال وقف خاص موبدان است» (زارع، بی تا: ۶۸ـ۶۷).
۴۴- با عزیمـت اطفـال به تهران، مانکجی مرتباً مبلغی بعنوان کارمزد برای والدیـن آنها می‌فرستـاد تا به بهانه بینوایی و مزدآوری اطفال، مانع از تعلیم و تربیت آنها نگردند (سروشیان،۱۳۷۰: ۶).
۴۵- نخستین تلاش در لغو جزیه به روزگار کریم‌خان زند باز می‌گردد که ملاکاووس از فرستادگان پارسیان نزد زرتشتیان یزد باز می‌گشت که علاوه بر نبود بستر مناسب دینی بدلیل عدم پشتوانه مالی و سیاسی ره به جایی نبرد (Edulgee;www.heritagein statute.com).

۴۶- نخستین تلاش در لغو جزیه به روزگار کریم‌خان زند باز می‌گشت که ملاکاووس از فرستادگان پارسیان نزد زرتشتیان یزد باز می‌گشت که علاوه بر نبود بستر مناسب دینی، به دلیل عدم پشتوانهٔ مالی و سیاسی، ره به جایی نبرد (Edulgee;www.heritagein statute.com).

۴۷- ورود به حلقهٔ درباریان را می‌توان از تدابیر مهمی دانست که به واسطهٔ آن مانکجی موفق به کسب امتیازاتی از شاه در افسار بر اعمال بی‌رویهٔ کارگزاران حکومتی یزد گردید. از آن جمله الغای مواردی چون: اخاذی راهداران از مسلمین، عیدی داروغگان از پیله وران،دریافت پول به هنگام دخمه گذاری مردگان، توقف دریافت خمس از اموال،ساخت و تعمیر خانه (Avari,Ibid:403)، ۴۸- پیشکش زرتشتیان به مباشرین، مالیات چارپایان و دو نوع مالیات زمینی و هوایی (سروشیان، ۱۳۷۱: ۱۸۶؛ شهمردان، ۱۳۶۳: ۳۸۲ ؛ اشیدری، ۲۵۳۵: ۴۵۰).

۴۹- گرچه روس‌ها توانستند با اعمال نفوذ بر عباس‌میرزا، ارامنه تبریز را از پرداخت جزیه معاف دارند؛ اما در سایر مناطق وضع مسیحیان تفاوتی با قبل نداشت (Framjee,Ibid:39).

۵۰- همچنین روزنامهٔ وقایع اتفاقیه نیز، در نمرهٔ ۴ به تاریخ یوم پنج شنبه هشتم شهر شوال سال قوئی ئیل، سنه ۱۲۷۵ق. حکم شاه را به اطلاع عموم می‌رساند.

۵۱- این زمان یزد در قلمرو ظل السلطان قرار داشت و توسط نایب‌الحکومه‌اش ابراهیم خلیل‌خان آن را اداره می‌کرد. با فرمان لغو جزیه، زرتشتیان یزد بنا به پیشنهاد مانکجی و به پاسداشت همیاری ظل السلطان و نایب‌الحکومه‌اش، هر ساله در روز دی از مهر ایزد تیرماه باستانی جشن گرفته و برای طول عمر شاه دعا می‌کردند (اشیدری، همان: ۴۳۲؛ مانکجی، ۷۰ :Faravahr,Ibid).

۵۲- مانکجی در اسناد و نامه‌های خود بر این نکته اشاره دارد که «اهالی مملکت ایران را قاعده و رسم نیست که اعمال خیر را شهرت داده و در روزنامه‌ها درج کرده به اطراف بفرستند. این معنی را نیک ندانسته، بلکه معصیت می‌شمارند» (مانکجی، ۱۲۸۰: ۲۳). از این‌رو در نامه‌ای به تاریخ احتمالی ۱۲۹۹ـ۱۲۹۷ق. خطاب به پنجایت یزد می‌نویسد: «حتی این که، دستورالعمل دادیم که مفصلاً این وقایع را در روزنامهٔ عثمانی ثبت نمایند که این صدمات گوشزد خارج و داخل شود. به خصوص قبلهٔ عالم که بر بهدینان این گونه تعّدی وارد آمده و می‌آید» (امینی، ۱۳۸۰: ۱۶ـ۱۵).

۵۳- بنابر همین اصل، انجمن در سال پنجم شعبه هایی در پنج قریه اطراف یزد ایجاد نمود که هر سه ماه امور داخلی خود را برای بررسی و رسیدگی و ثبت به انجمن یزد گزارش می‌دادند (لُب خلاصه ریپورت انجمن ناصری زرتشتیان یزد: ۱۱).

۵۴- جهت حفظ سابقه اقدامات و رخدادها، مقرر گردید که امور انجام یافته در سه دفتر ـ یک نسخه برای حکومت، دیگری برای ارسال به انجمن اکابر و سومی جهت وزارت امور خارجه به صورت ماهانه ثبت

شود. همچنین به‌منظور تعلیم امور ریاست دو جلسهٔ نخست با کیخسرو بوده؛ مابقی جلسات به افراد منتخب از سوی اعضا واگذار گردید (شهمردان، ۱۳۶۳: ۵۵۴؛ اشیدری: ۲۸۴ـ۲۸۳).

۵۵– این اقدامات به‌حدی موقعیّت موبدان و دستوران را ضربه‌پذیر نمود که گویا خسرو را در سفر بازگشت از کرمان مسموم نموده و در سال ۱۳۱۱ه. ق. همان‌جا فوت کرد (زارع، بی تا ، ج۲: ۱۱۵).

منابع

اسناد و مکتوبات و گزارشات مانکجی هاتریا (چاپ سنگی). تهران: کتابخانه اردشیر یگانگی.
اشیدری، جهانگیر(۱۳۴۱) تاریخچه مهاجرت پارسیان به هندوستان، هوخت. دوره ۱۳، شماره ۴،صص۲۵_۲۷.
ـــــــــ(۱۳۴۱) امیر کبیر و اقلیت های مذهبی و زرتشتیان. هوخت. دوره ۱۳، شماره ۱۰، صص۲۶_۳۰.
ـــــــــ(۱۳۵۳) برگی از تاریخ گذشته پارسیان. هوخت. دوره ۲۵، شماره ۷،صص۲۵_۲۷.
ـــــــــ(۱۳۸۳) گوشه‌ای از تاریخ و فرهنگ زرتشتیان شریف‌آباد(اردکان). تهیه و تنظیم ماهیار اردشیری. تهران: انجمن زرتشتیان شریف‌آباد اردکان مقیم مرکز(اشا).
ـــــــــ(۲۵۳۵) تاریخ پهلوی و زرتشتیان. جلد ۱. تهران: هوخت.
امیدیانی، حسین (۱۳۷۲) گاهنبار در ایران باستان. وقف، سال۱، شماره ۳، صص۴۶_۵۱.
اصطخری، ابواسحق ابراهیم(۱۳۷۳) مسالک و ممالک. ترجمه محمدبن‌اسعدبن‌عبدالله تستری. به-کوشش ایرج افشار. تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
افشار، ایرج (۱۳۷۴) یادگارهای یزد. جلد۲. یزد: خانه کتاب و نیکو روش.
امینی، تورج (۱۳۸۰) اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران(۱۳۳۸_۱۲۵۸ش). تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
آبادانی، فرهاد(۱۳۳۱) خبر رسیده از هندوستان. هوخت. دوره سوم. شماره ۳. صص۱۹_۲۳.
ـــــــــ (۱۳۴۵) تاریخ مهاجرت پارسیان به هند. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. سال ۱۲. شماره ۴. صص۲۵۲_۲۵۶.
آبادانی، فرهاد (۱۳۵۶) سهم پارسیان هندوستان در نگهداری فرهنگ ایران. هنر و مردم. شماره ۱۸۱،دوره ۱۶،صص۵۵_۶۴.
آدمیت، فریدون(۱۳۶۱) امیرکبیر و ایران. تهران: خوارزمی.
آذر گشسب، اردشیر(۱۳۵۲) مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان. تهران: فروهر.

آواری، بورجور(۱۳۸۳) روابط پارسیان و انگلستان با زرتشتیان ایران. ترجمه حسین بنی‌احمد. یادواره سه‌هزار سال فرهنگ زرتشتی. تهران: انجمن زرتشتیان تهران.
بالسارا،زال.اف(۱۳۳۸) پارسیان هند. ترجمه موبد فیروز آذرگشسب. هوخت. دوره۲۰، شماره ۹،صص۲۵ـ۲۸.
براون، ادوارد گرانویل(۱۳۴۴) یکسال در میان ایرانیان. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. جلد۲. تهران:کانون معرفت.
بویس، مری(۱۳۴۸) دیانت زرتشتی در دوران متأخر. دیانت زرتشتی. ترجمه فریدوم وهمن. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
ــــــــ(۱۳۶۴) مانکجی لیمجی هاتریا در ایران. ترجمه هاشم رضی. چیستا. شماره ۲۶، صص۴۲۴ـ۴۳۲.
پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ (۱۳۴۸) اسلام در ایران. ترجمه کریم کشاورز. تهران: پیام.
تشکری، علی‌اکبر(۱۳۹۲) یزد عصر صفوی. یزد: اندیشمندان یزد.
ــــــــ(۱۳۸۴) درآمدی بر شرایط اجتماعی و اقتصادی زرتشتیان یزد در دوران قاجاریه. فرهنگ،شماره ۵۶، صص۱۷ـ۳۸.
جکسن، ابراهام و ویلیامز(۱۳۵۳) ایران در گذشته و حال. ترجمه منوچهر امیری. فریدون بدره‌ای. تهران: خوارزمی.
حدودالعالم الی‌المشرق‌من‌المغرب(۱۳۶۲) به‌کوشش منوچهر ستوده. تهران:کتابخانه طهوری.
روزنامه وقایع اتفاقیه نمره ۴۳۲. پنج شنبه هشتم شهر شوال سال قوئی ئیل سنه ۱۲۷۵ق.
زارع، اردشیر(نسخه تایپی) خاطرات اردشیر زارع. جلد ۱ـ۲. تهران:کتابخانه اردشیر یگانگی.
سروشیان، سروش (۱۳۷۱) تاریخ زرتشتیان کرمان در این چند سده. جلد۱. کرمان: جمشید سروش سروشیان.
ــــــــ (۱۳۳۵) فرهنگ بهدینان. به‌کوشش منوچهر ستوده. تهران: دانشگاه تهران.
سیرو، ماکسیم (۱۳۷۱) آثار ایران. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. جلد۲ــ۱. مشهد: آستان قدس رضوی.
سپهر، محمدتقی‌بن محمدعلی(۱۳۵۳) ناسخ‌التواریخ. جلد۳. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
شهزادی، موبد (۱۳۴۵) تاریخ انجمن‌های زرتشتیان. هوخت. دوره۱۷،شماره ۳،صص۵۱ـ۵۳.

شهمردان، رشید (۱۳۳۱) موفقیّت دختر خردسال زرتشتی ایرانی در دیار بیگانـه. هوخـت. دوره سـوم. شماره ۱،صص۱۱ـ۱۸.
ـــــــــــ(۱۳۳۲) روانشاد کیخسرو جی خانصاحب بانی انجمن ناصری زرتشتیان یزد. هوخت. دوره۴، شماره ۳،صص۷ـ۱۰.
ـــــــــــ(۱۳۳۶ی) آتشگاههای زرتشتیان. بمبئی:سازمان جوانان زرتشتی بمبئی.
ـــــــــــ(۱۳۳۹) اوضاع فرهنگی پارسیان در پنج قـرن گذشـته. هوخـت. دوره۱۱، شـماره ۱، صص۱۰ـ۱۳.
ـــــــــــ(۱۳۵۴) صورت فرمان‌های جماعت در صندوق آهنی پنجایت در آتش ورهرام قـدیم یزد. هوخت. دوره۲۶، شماره ۱۲، صص۲۵ـ۲۷.
ـــــــــــ(۱۳۶۱) تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان. تهران: راستی.
ـــــــــــ(۱۳۶۳) تاریخ زرتشتیان و فرزانگان زرتشتی. تهران: فروهر.
صدر، محمدباقر، پژوهشی در فقه اراضی موات،www.Rasekhoon.net.
لُب و خلاصه ریپورت انجمن ناصری زرتشتیان یزد(چاپ سنگی).
مانکجی، لیمجی هوشنگ پورهاتریا(۱۲۸۰ق) ترجمه اظهار سیاحت ایران. ترجمـه بـاقر کرمانشـاهی. بمبئی: طبع خانه بمبئی.
ـــــــــــ(چاپ سنگی). رساله اظهاراحقاق الحق.
ـــــــــــ (www.Farvahr.org).
مجلسی، محمدتقی(نسخه خطی) رساله جهادیه. قم:.کتابخانه مرعشی نجفی. شماره ۹۲۰۶.
ملکم، جان(۱۳۶۲) تاریخ ایران. ترجمه میرزا اسماعیل حیرت. به‌کوشش مرتضی سیفی قمی‌تفرشی و ابراهیم زندپور. جلد۱. تهران: سیادلی.
وفاداری، خداد کیومرس(۱۳۵۰) تاریخچه دبستان خرمشاه. هوخت. دوره ۲۲، شماره ۱۹،صص۱۹ـ۲۱.
هنوی، جونس(۱۳۶۷) هجوم افغان و زوال دولت صفوی. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران: یزدان.
Boyce,Mary(1977).A persian stronghold of Zoroastrianism :oxford.
Deboo,Malcolmminoo,SethManeckjiLimjiHataria The Martin Luther King Zoroastrianism and The struggle for Zoroastrian civil rights in iran:www.zoroastrian.org.

Deed of settlement of Association formed for Purpose of Alleviating the Distrees and ameliorating the condition of the Zoroastrian in habitants of Persia (1865).Bomay:DufturAshkara press.

Edulgee,K.E,Migrantions to yazd and kerman.www.heritageinstitute .com

Faramjee,Dosabhoy(1858).The parsees their history ,Manners,Customs,andReligion:London:smith Elder and co.

Hodivala,s.h(1982).The correct Date of arrival:936A.c, mistreeZoroastrianism:An Ethnic perspective ,Bombay:Zoroastrian studies.

Irving,C(1988),crossroads of civilization :3000 Years of Persian History,London:Weidenfeld and Nicholson.

Karaka,Dosabhaiframji(1884).History of the parsis,vol1:Machilian and co.

Lawson,Philip(1993).The East indiacompany,Longman.

Palsetia,jesse s(2001).The parsis of india ,preservation of identity in Bombay city:Brill.

www.Tebyan.net